



شوراها در روسیه نوشته: آندره نین

اما چنین فهمی ، که از غریزه طبقاتی ناشی میشود ، ناکافی است . برای کارگران و دهقانان اسپانیایی مساله شوراها مساله ای کاملاً عملی است ، زیرا که بدون ساختن يك چنین نهادی پیروزیشان غیر ممکن خواهد بود . پس ضروریست که توده کارگر شناختی صحیح از منشاء ، انکشاف و عملکرد این نهاد ها داشته باشد .

شوراها در سال ۱۹۰۵ در جریان انقلاب اول روسیه پدیدار شدند . آفرینش آنها نه بدلیل ابتکار يك حزب یا گروه سیاسی ، بلکه نتیجه حرکت خودبخودی توده ها و انکشاف وقایع انقلابی بود . شوراها از همان اول ، بصورت شکل گرفته و مشخص اکتر ، یعنی زمانی که جنبش باوج خود رسید ، بناگهان از زمین سبز نشدند ؛ آنها نتیجه دگرسانیهای نهاد های مشخصی بودند که در طول مبارزه بوجود آمدند . فراشد بسیار بدیعی بجزبان افتاد . بقول نویسنده روسی نوسکی Nevski: "بنظر میرسد که تاریخ از طریق توده های کارگر ، که سازنده آن بودند ، از يك شکل سازماندهی بشکل دیگر گذرمیکنند و با حذف برخی از عناصر و بوجود آوردن برخی عناصر جدید ، ساده تر کردن یا پیچیده تر کردن سازمان ، بدون وقفه آنها را تغییر میدهند و تعدیل میکند . " در برخی حالات شوراها بصورت امتداد طبیعی کمیته های اعتصاب ، که کارگران راه آهن ایجاد کرده بودند ظاهر شدند . در حالت دیگر بصورت انکشاف یافتن این کمیته ها در کارخانه ها و کارگاهها . مثلاً شورا های اکاترینوسلاو Ekaterinoslav ، رستف Rostov ، نوورسیسک Novorosisk ، کراسنوگارسک Krasnogarsk ، کیف ، لیبوا Libav ، روال Reval و چند جای دیگر ، از این نوع بودند . این کمیته ها ، که ابتدائاً نقش بجز رهبری جنبش اعتصابیون نداشتند ، تحت تاثیر رویداد های انقلابی ، کم کم به نهاد های نمایندگانه کل طبقه کارگر تبدیل شدند و با همکاری با نمایندگان احزاب کارگری مختلف ، يك ائتلاف رزمنده را پایه ریزی کردند . منشاء شورا های پتروگراد هم مشابه با همین بود . آنها در ابتدا صرفاً هیأت نمایندگانی بودند که رفقا پشان برای مذاکره با کارفرما و جمع آوری پول برای اعتصابیون و غیره انتخابشان کرده بودند . ظهور این سازمانها نقش عظیمی در انکشاف انقلاب ۱۹۰۵ ایفا کرد . بدون آنها جنبش از کنترل پرولتاریا خارج میشد زیرا که قیال از ظهور آنها سازمانهای ، با ماهیت آشکارا بورژوازی در رأس جنبش قرار داشتند ، که آنها منحرف کرده و از زیر هژمونی پرولتاریا خارج میکردند و تابع رهبری بورژوازی لیبرال میشاختند . بدون این سازمانها ، که پرولتاریا در زیر آتش نبرد بوجود آورد ، جنبش قدرتمند ۱۹۰۵ نمی توانست به قیام تبدیل شود .

آندره نین نمایندگانه CNT (کنفدراسیون آنارشپیست ها) در کنگره بین الملل سندیکائی سرخ در سال ۱۹۲۱ بود ، وبسمت دبیران انتخاب شد . در سال ۱۹۳۰ استالین او را بعلت گرایشهایی که بسمت تروتسکی داشت از اتحاد جماهیر شوروی اخراج کرد . پس از بازگشتش به اسپانیا رهبری اپوزیسیون کمونیست چپ را بعهده گرفت و تا پیوستن آن به بلوک کارگری دهقانی مورن (Maurin) و پایه گذاری پوم (POUM) (حزب کارگری وحدت مارکسیستی) این سمت را بعهده داشت . وی در پائیز سال ۱۹۳۶ ، در مقام وزیر دادگستری در تشکیل حکومت ژنرالیته کاتالونی (حکومت محلی در کاتالونی) شرکت جست . این همکاری انشعاب او را با تروتسکیزم ، که قبلاً با تشکیل پوم و شرکت در جبهه خلقی آغاز شده بود عمیق تر کرد . پس از قیام ماه مه ۱۹۳۷ در بارسلون توسط استالینیست ها دستگیر ، مفقود الاثر و کشته شد .

مقاله زیر اقتباس میسوی است از جزوه ای که او در سال ۱۹۳۲ ، پس از بازگشتش از اتحاد شوروی نوشت و بمناسبت چهلمین سال کشته شدنش در مجله Cahiers de la Taupe ژوئن ۱۹۷۷ ، بچاپ رسید . مقاله زیر از این متن فرانسه ترجمه شده است .

واژه روسی "سویت" Soviet ، صرفاً بمعنای شورا یا کمیته است . اگرچه انقلاب روسیه آنها را همیشه در فرهنگ تمام کشورها وارد کرده است ، ولی اکثر مردم معنای این واژه را نمیدانند ، بنابراین این واژه هیچ چیز مرموزی در خود نهفته ندارد ، و برعکس ادعای کسانی که میخواهند انقلاب اکتر را پدیده ای صرفاً روسی جلوه دهند ، مخلوق ویژه "روح اسلاو" نیست . شوراها شکلی از سازماندهی و مبارزه اند که طبقه کارگر روسیه و پرولتاریای تمام کشورها آنها برگزیده است . ممکن است که بخش قابل ملاحظه ای از توده استثمار شده معنی واقعی این واژه را ندانند ، اما همه آنها بخوبی آگاهند که با شعار "تمام قدرت به شوراها" بود که پرولتاریای روسیه رژیم سرمایه داری را در سال ۱۹۱۷ سرنگون کرد و بر اساس شوراها ساختن جامعه ای نوین و عاری از استثمار را شروع کرد . آنچه در بالا گفته شد ، اگر انزجار عمیقی را که بورژوازی نسبت به شوراها احساس میکند هم برآن بیفزائیم ، کافیسست که به کارگران تمام جهان ثابت کند که آزادی آنها ، به نحوی لا ینفک ، به پیروزی این مفهوم وابسته است .

در هر صورت واقعیت اینست که طبقه کارگر روسیه سازمان کاملاً بی سابقه ای بوجود آورد که بچند دلیل از تمام سازمانهای دیگر متمایز بود؛ یکی به این دلیل که حاصل ابتکار منحصر بفرد خود طبقه کارگر بود، و دیگری بدلیل فرآیند ویژه تشکیل آن و اهدافی که بخاطرشان شوراهای بوجود آمدند. شوراهای توسط صرفاً طبقات انقلابی بوجود آمدند (کارگران، دهقانان، مزدبگیران). مبنای ایجاد آنها، نه بر اساس قانون، بلکه مبتنی بر راه انقلابی و مبارزه مستقیم توده های تحت استثمار است، و رفته رفته به ابزار قیام و نطفه دولت آیند. پرولتری تبدیل میشوند. در حق واقع آنها بنقد (در مراحل اولیه تشکیل شان - مترجم) قدرتی هستند؛ یعنی نطفه دیکتاتور پرولتاریا. بقول لنین: "آنها طوری عمل میکردند که توگویی بنقد قدرتی بودند؛ مثلاً چاپخانه ها را در دست میگرفتند (در پتروگراد)، مأموران پلیس را که مانع مبارزه مردم انقلابی، برای احقاق حقوقشان، میشدند دستگیر میکردند، با برانگیختن مردم به خود داری از پرداخت پول به دولت، به مثابه يك قدرت عمل میکردند. آنها ذخایر پولی حکومت را غصب میکردند (کمیته کارگران راه آهن در جنوب) و آنها را به رفع احتیاجات حکومت جدید، حکومت انقلابی و متکی به توده ها، اختصاص میدادند". لنین همچنین میگوید: "این ارگانهای دولتی نطفه های دیکتاتور بود، زیرا هیچ قدرت دیگری، هیچ قانون دیگری، و هیچ قاعده دیگری را، از هر منشائی که بوده باشد، برسمیت نمیشناختند. يك قدرت غیر محدود، مافوق قانون، که به معنای واقعی کلمه متکی بر زور است، چیزی جز دیکتاتور نیست. ولی زوری که این قدرت جدید بر آن متکی بود و میخواست باشد، نه زور سرنیزه بود، نه نیروی پول و نه نیروی هیچ نهاد موجود. نه هیچ چیز دیگر از این قبیل. این قدرت نه اسلحه در اختیار داشت، نه پول، و نه مؤسسات سابق را. این زور بر چه متکی بود؟ بر توده های خلقی. این وجه مشخصه اساسی این قدرت جدید، در مقایسه با قدرت سابق، بود. آنها نهاد های قدرت اقلیت بر مردم، بر توده های کارگر و دهقان بودند و اینها نهاد های قدرت مردم، کارگران و دهقانان، بر اقلیت، بر مابقی مأموران پلیس، اشراف و کارمندان صاحب مزایا".

در آغاز، احزاب کارگری اهمیت عظیم شوراهای را درک نکردند. تا دسامبر، یعنی زمانیکه مبارزه شکل قیام مسلحانه بخود گرفت، اهمیت عمیق آنها را در تمامیتش نفهمیدند. حتی برخی از نمایندگان احزاب کارگری میخواستند از این نهادها، که بنظرشان نامشخص و بی سرانجام بودند، بیرون بیایند. خود لنین تا مارس ۱۹۰۶ از شوراهای به مثابه نهاد های قدرت جدید انقلابی حرفی نمیزند. ولی در هر صورت بلشویکها اولین کسانی بودند که اهمیت شوراهای به مثابه نهاد های قیام و به مثابه مناسبترین چارچوب برای تحقق بخشیدن جنبه واحد تمام عناصر انقلابی پرولتاریا را درک کردند و بدین ترتیب، همانطور که سیر وقایع به چرخشگاههای حساس خود نزدیک میشد، این بلشویکها بودند که نقش اصلی را در شوراهای ایفا کردند.

شک نیست که پرولتاریای روسیه، با ایجاد شوراهای شکستناپذیر جدیدی از سازمان کارگری را به پرولتاریای بین المللی عرضه داشت. شوراهای در واقع نهاد هائی سرپا انقلابی هستند که هدفشان دگرگون ساختن فوری و اساسی تمام روابط اجتماعی است و وجودشان در دوران انکشاف آرام غیر قابل تصور است. اعتبار این شکل جدید سازماندهی در میان توده کارگران روسیه عظیم بود. کارگران میگفتند: "هر چه شوراهای بگویند انجام خواهیم داد". و در واقع هم آنها حکومت خودشان حساب می آوردند و فرامین و مصوبات آنها بدون لحظه ای تردید اجرا میکردند. هرگز سازمانی که این چنین از اعتماد بی حد و حصر توده ها برخوردار باشد و این چنین از نزدیک با آنها پیوند داشته باشد بوجود نیامده است. کارگران نمایندگان خود را به شوراهای انتخاب میکردند. هر نماینده در مقابل کسانی که او را انتخاب کرده بودند جوابگوی عملکرد خود بود. و اغلب اتفاق می افتاد که

نمایند ه ای که وظیفه خود را بنحو رضایتبخش انجام نداده بود خلع و تعویض شود. همانطور که بعدها، هنگام مطالعه ساختار شوراهای، خواهیم دید تقریباً تمام آنها يك کمیته اجرائی برای امور جاری داشتند؛ ولی تمام مسائل مهم در پلنومها مورد بحث مفصل قرار میگرفتند. شوراهای سازمانهائی بودند متکی بر توده، با عملکردی وسیعاً دمکراتیک.

وظایف و نقش شوراهای، همراه با شرایط زمانی و مکانی تغییر میکنند. دیدیم که آنها، در آغاز بوجود آمدنشان، چیزی بجز صرفاً کمیته های اعتصاب نیستند؛ سپس رفته رفته تبدیل به نهاد های نماینده کل طبقه میشوند؛ سپس به نهاد های قیام و نطفه قدرت؛ و بالاخره، همراه با پیروزی انقلاب پرولتری، شوراهای دقیقاً شکلی هستند که دیکتاتور پرولتاریا بخود میگیرد. بنابراین شکل شورائی دیکتاتور پرولتاریا، شکل سازمانی پرولتاریا به مثابه قدرت دولتی است؛ دولتی که امکان حاکمیت سیاسی کامل را فراهم میسازد و تبدیل به ابزار نیرومند دگرگونسازی اجتماعی و سیاسی میشود.

شوراهای در آستانه کسب قدرت

۱ - نخستین شوراهای

اولین شورا در ایوانوو-وسنسک Ivanovo-Vosnesensk، مهمترین مرکز صنعت پارچه بافی روسیه ظاهر شد. جنبش کارگری این شهر یکی از قدیمی ترین جنبشهای کارگری کشور بود. نفوذ عقاید سوسیالیستی در آنجا بسیار عمیق بود ولی جنبش سوسیالیستی در آنجا يك ویژگی متمایز کننده داشت: برخلاف معمول نقش رهبری در آنجا در دست آغالشگران خارج از طبقه یا روشنفکران نبود. بلکه درد ست خود عناصر طبقه کارگر محلی بود. با این وصف توده کارگران در آنجا نیز، مانند سایر کارگران این شاخه صنعت که در تمام کشورها بدترین شرایط کار را داراست، بی فرهنگ بودند.

جنبش انقلابی ۱۹۰۵ تأثیر فوری بر روی این توده کارگران تحت استثمار داشت. این تأثیر بخصوص در حوالی مراکز کارگری مهمی چون مسکو و ارژوو زوگو Orejovo Zugevo، که غلبان انقلابی بحد اکثر خود رسیده بود، چشمگیر بود.

دوازدهم ماه مه در ایوانوو-وسنسک اعتصاب کارگران پارچه بافی آغاز شد. این اعتصاب تبدیل به يك اعتصاب عمومی گشت و نقش مهمی در تاریخ جنبش کارگری روسیه ایفا کرد. روز سیزدهم مه در جلسه اعتصابگران، در کناره رودخانه تالکی (Talki)، که سی هزار کارگر در آن شرکت داشتند، يك هیأت شورائی، مرکب از ۱۱۰ نماینده انتخاب شد که مذاکرات با کارفرمایان و مقامات دولتی را از طرف همه کارگران انجام رسانند و رهبری اعتصاب را در دست بگیرند. این کمیته، چه از نظر شکل و چه از نظر ماهیت يك کمیته اعتصاب معمولی نبود. از همان لحظه اول رابطه نزدیکی مابین شورا و حزب سوسیال دمکرات، که کمیته محلی اش الهام بخش تمام قطعنامه های این ارگان جدید بود، برقرار شد.

شورا بزودی تحت تأثیر وقایعی که در کشور انکشاف یافت، اهمیت فوق العاده و ماهیت انقلابی مشخصی کسب کرد. قدرت و اعتبار آن خارج از حد و اندازه بود. در واقع در این دوران قدرت دوگانه بنقد در ایوانوو-وسنسک وجود داشت. هیچ چیز را نمیشد بدون اجازه شورا در چاپخانه بچاپ رساند. مثلاً شورا از صدور اجازه چاپ سندی که در آن نمایندگان مقامات دولتی این نهاد جدید آفریده کارگران را مورد خطاب قرار داده بودند خود داری کرد. از طرف دیگر شورا، در حالیکه چاپ تمام مدارك طبقه متخاصمان را تحت کنترل خود گرفته بود، خود آنچه را که میخواست آزادانه چاپ میکرد.



یکی از جلسات "سوویت" در سال ۱۹۶۰

مرکب از پنج نفر تشکیل گردید که بی شک ساختاری مشابه با کمیته-اجرائی شوراهائی بود که بعد ها در نقاط مختلف کشور تشکیل شدند. پلنوم های شورا هر روز صبح ساعت نه جلسه داشت. پس از پایان این جلسه، جلسات عمومی کارگران شروع میشد که کلیه مسائل مربوط به اعتصاب را بررسی میکرد. چگونگی ادامه اعتصاب، مذاکره با کارفرمایان و مقامات دولتی و غیره، همه اینها در نظر گرفته می-شد. پس از بحث پیشنهادات شورا به مجامع عمومی ارائه میشد. سپس مبارزین حزبی به آغوشگری درباره اوضاع طبقه کارگر میپرداختند و جلسه تا خسته شدن حاضرین ادامه پیدا میکرد. سپس حاضرین به خواندن سرودهای انقلابی پرداخته، مجمع پیمان میرسید. این جریان هر روز تکرار میشد.

پس از کشتار سوم ژوئیه تشکیل مجامع شورا برای دو هفته قطع گردید و وقتی دوباره کار خود را آغاز کرد، چهار هزار کارگر در اولین جلسه آن شرکت کردند. پس از جلسات مجمع تظاهرات آرام و میتینگها در مرکز شهر برگزار میگردد. روز ۲۰ ژوئیه، از آنجا که گرسنگی شروع به چنگ انداختن بر کارگران کرده بود و کارفرمایان نیز عقب نشینی های قابل توجهی کرده بودند، شورا تصمیم گرفت خاتمه اعتصاب را اعلام دارد.

روزی که پایان اعتصاب اعلام شد شورای وسنسنسک خود بخود منحل شد، ولی اعضای آن به ایفای نقش نمایندگی کارگران ادامه دادند. در تمام کارخانه ها کارگران آنان را "نماینده" خود می-

مثلاً تبلیغات سوسیال دمکراتها بدون هیچ کنترلی انجام میشد. شورا آزادانه از اماکن عمومی محلی استفاده میکرد، بدون اینکه برای برگزاری جلسات و میتینگ های خود از کسی اجازه بخواهد. این حق با توسل بزور بدست آمده بود و هیچ چیز و هیچ کس نمیتوانست طبقه کارگر را از استفاده از آن باز دارد. حتی کشتاری که در سوم ژوئیه مقامات تزاری سازمان دادند نتوانست این کار را بکند. هیچ گونه مذاکرات جداگانه ای مجاز نبود. هیچکس نمیتوانست بدون موافقت شورا شروع بکار کند. شورا خدمات مربوط به محافظت کارخانه ها و اموال عمومی شهر را سازمان میداد و در تمام مدتی که حاکم بر جریان بود حتی یک عمل خرابکاری یا چپاول هم ثبت نشده است. دقیقاً در زمان انحلال شورا بود که حمله به دکانها و مغازه ها شروع شد.

شورا یک سلسله تصمیماتی، که ماهیتشان صرفاً سیاسی بود، اتخاذ کرد که از طریق پیغامی که علاوه بر تمام نمایندگان شورا هزاران اعتصابگر نیز آنها امضا کرده بودند به وزیر داده شد. در این پیغام آزادی بیان، آزادی تجمعات و گرد هم آیی ها، و فراخواندن مجلس مؤسسان تقاضا شده بود. شورا همچنین تقاضای اکید تشکیل دادگاهی برای محاکمه مسئولین استفاده از قوای دولتی بر علیه اعتصابیون در سوم ژوئیه را مطرح کرد. کمیسیونهایی بمنظور جمع آوری پول برای بیکاران، و گردان هائی جهت محافظت کارخانه ها و غیره ترتیب داد. بلافاصله بعد از تأسیس شورا یک هیأت رهبری

شناختند . و در تمام برخورد های کارگران با دستگاه اداری آنها
بخطابه نمایندگان توده کارگران عمل میکردند و کارفرمایان نیز مجبور
بودند این واقعیت را بپذیرند .

۲- شورای پترزبورگ

پترزبورگ صرفاً پایتخت رسمی کشور نبود ، بلکه مرکز جنبش انقلابی
نیز بشمار میرفت ؛ در آنجا بود که کارگران از همه جا فعالتر ، روحیه
مبارزه جویشان از همه جا آتشین تر بود . آنجا سر منشاء تمام ابتکا-
رات و افکار انقلابی بود . و این امر حتی در روزهای دسامبر ، که
پایتخت در شرایطی که مبارزه خونینی در مسکو جریان داشت آرام و
منفعل مانده بود ، صحت داشت . پترزبورگ با هزاران حلقه سه
مابقی کشور متصل بود و این امر آنرا قادر میساخت که تجربه سایر
مراکز کارگری و نتایج حاصل از آنها را جذب کرده ، آنها را در آزما-
یشگاه انقلابی پرداخته کند و بالاخره در اکتبر ۱۹۰۵ کامل ترین
شکل سازماندهی را یعنی شورای نمایندگان کارگران را ، که تأثیر
عظیمی بر جنبش انقلابی در تمام کشور گذاشت ، بوجود آورد .
این شورا در حاد ترین لحظه مبارزه انقلابی بوجود آمد . فکر
ایجاد آن در دوازدهم اکتبر در یکی از مجامعی که در مؤسسه تنکو-
لوزی جریان داشت ، مطرح شد . اما در واقع توده کارگران از همان
آغاز انقلاب از طریق اشکال مختلف نمایندگی در کارخانه ها و کارگاهها
شروع به ایجاد آن کرده بودند .

در سیزدهم اکتبر اولین پلنوم شورا تشکیل جلسه داد . یکی از
تصمیمات اصلی که در این جلسه اتخاذ شد این بود که بیانیه ای خطاب به
همه زنان و مردان کارگر منتشر سازد . در این بیانیه چنین آمده
بود : " نباید گذاشت که اعتصابات بصورت پراکنده ظاهر شوند و خا-
موش گردند . بدین دلیل تصمیم گرفته ایم رهبری جنبش را در دست یک
کمیته کارگری مشترک متمرکز کنیم . به هر کارخانه ، هر کارگاه ، و هر
صنف پیشنهاد میکنیم که نمایندگان خود را ، به میزان یک نماینده برای
هر پانصد نفر انتخاب کنند . نمایندگان هر کارخانه یا کارگاه کمیته
کارخانه یا کارگاه را تشکیل خواهند داد . مجمع نمایندگان تمام کار-
خانه ها و کارگاههای کمیته عمومی کارگران پترزبورگ را تشکیل خواهد
داد . " ابتدا کارگرانی که نمایندگان خود را انتخاب میکردند ، آنان
را نمایندگان خود در کمیته عمومی اعتصاب ، که گاهی " شورای عمومی
کارگران " و گاهی صرفاً " شورای کارگران " نامیده میشد ، محسوب
میکردند ، ولی از همان لحظات اول عبارت " شورای نمایندگان کارگری " ،
که امروزه همه آنها میدانند و بنقد در اولین شماره ایزوستیا ارگان
رسمی شوراها ، ظاهر شده بود ، عمومیت یافت .

هیچیک از شرکت کنندگان در جنبش به اهمیت عظیم نقشی که این
سازمان بخاطر انجامش بوجود آمد آگاهی نداشتند ، ولی آگاهترین
مبارزین بخوبی درک میکردند که این یک کمیته اعتصاب ساده نیست ،
و رسالت آن اعتصاب سیاسی است که نه صرفاً برای بدست آوردن ۸
ساعت در روز ، بلکه برای فراخواندن مجلس ملی و بدست آوردن آزاد-
یهای سیاسی میبایست سازمان داده شود .

در اواسط ماه نوامبر تعداد نمایندگان شورا ۵۲۶ نفر بود که از
۱۴۷ کارخانه ، ۳۴ کارگاه و ۱۶ سندیکا انتخاب شده بودند . از
این میان ۵۰۸ نفر نماینده حداقل ۲۵۰ هزار کارگر بودند ، یعنی
اکثریت عظیم کارگران پایتخت . در پیشاپیش آنها کارگران فلز کار که
پیشگامان طبیعی جنبش انقلابی بودند ، قرار داشتند . تعداد نمایندگان
شان آنها به ۳۵۱ نفر میرسید ؛ بعد از آنها کارگران نساجی ، با ۵۷
نفر نماینده قرار داشتند ؛ سپس کارگران چاپخانه با ۳۲ نماینده ؛
کارگران صنایع چوب با ۲۳ نماینده و غیره و غیره ولی در شوراها
گذشته از اینکه عده ای از نمایندگان منتخب کارگران خود از اعضای حزب
سوسیال دمکرات روسیه (بلشویکها و منشویکها) و حزب سوسیال رولو-
سیونر بودند ، احزاب انقلابی ، و همچنین کارمندان ، و کارکنان اداره

پست و تلگراف نیز نماینده داشتند . از ۵۰ عضو کمیته اجرائی ۲۸ نفر
نماینده کارخانه ها و کارگاه ها ، ۱۳ نفر نماینده سندیکاها و ۹
نفر نماینده احزاب سوسیالیست بودند . شورای پترزبورگ - بنا به تعریف
لنین - وحدت مؤثر سوسیال دمکراسی انقلابی ، کارگران انقلابی و دمکراسی
انقلابی را تحقق داد ، و در این نکته در عین حال هم قدرت و هم
ضعف آن نهفته بود : قدرت آن از آنجا که تمام پرولتاریا را سازمان میداد
و ضعف آن از آنجا که ابتکار و انرژی این توده پرولتاریا تا حدی بخاطر
تردید و تزلزل خرده بورژوازی رادیکال خنثی میشد .

پترزبورگ در سال ۱۹۰۵ مرکز تمام وقایع بود و در خود پایتخت شورا
مرکز تمام جنبش ؛ و دلیل آن قبل از هر چیز بقول تروتسکی این بود که
" این سازمان پرولتری و فقط متشکل از طبقه کارگر ، مشخصاً سازمان خود
انقلاب بود " . بقول تروتسکی ، که خود صدر این شورا بود : " شورای
نمایندگان کارگران بخاطره جوابی به یک نیاز عینی که جریان وقایع ایجاد

کرده بود بوجود آمد ؛ نیاز عینی به سازمانی که قدرت و اعتبار داشته
باشد ، توده های پراکنده پایتخت را سازمان دهد ، گرایشهای
مختلف انقلابی در میان پرولتاریا را متحد کند ، قادر به ابتکار
عمل باشد ، خود بخود به بازبینی و کنترل اعمال خود بپردازد
و بالا تر از همه بتواند بقدرت و سرعت ساخته شود . "

هیچیک از احزاب انقلابی موجود ، هیچیک از سندیکاها ، که
تعدادشان هم بهر حال بسیار محدود بود ، نمیتوانست این نقش
را ایفا کند . بلشویکها و منشویکها ، غیرمغفوف عظیمی که در میان
توده کارگر داشتند ، تا آخر تابستان بیش از ۲ تا ۳ هزار عضو و تا
پایان سال ۱۹۰۵ بیش از ۵ الی ۶ هزار عضو نداشتند . به کمک
شوراها سوسیال دمکراسی تمام توده ها را بحرکت درآورد . شوراها
مراکزی بودند که به سازماندهی و مبارزه پرولتاریا و حتی اقماری
از خرده بورژوازی ، تحت رهبری سوسیال دمکراسی ، نیروی بخشیدند .

زمانیکه در پترزبورگ شورا بوجود آمد یک دوما (مجمع) شهر
وجود داشت ، که صرفاً مرجعی برای اداره امور شهری بود
و قدرت آنها بطور شیوه دار از طرف حکومت تزاری محدود می شد .
این مرجع تمام و کمال منتخب طبقه حاکمه بود . یکی از اولین اقدامات
شورا ارائه یک سلسله از خواست ها به دوما ی اصلی بود . این
خواست ها عبارت بودند از :

۱- اقدامات فوری جهت تدارک مایحتاج توده کارگران پایتخت
بعمل آید .

۲- اماکن عمومی در اختیار مجامع کارگری گذاشته
شوند .

۳- گذاشتن سالنها و عمارات در اختیار پلیس و ژاندارمری و
پرداخت هزینه به آنها ممنوع شود .

۴- پولهای ذخیره خزانه انجمن شهردار اختیار شورا
گذاشته شود تا بمصرف پرولتاریای پترزبورگ در راه آزادی
مردم برسد .

این خواست ها توسط یک هیأت نمایندگی از طرف شورا به دوما
ارائه شد . بدیهی است که اعضای دوما هیچ گونه توجهی به
خواستهای پرولتاریا نکردند ، وعده دادند که مسأله را در یک
جلسه فوق العاده ای بررسی کنند ، ولی این وعده هرگز عملی
نشد .

الهام بخش برنامه سیاسی شورا ، سوسیال دمکراسی بود .
شعارهای اصلی آن سرنگونی حکومت مطلقه ، ایجاد مجلس مؤسسان ،
جمهوری دمکراتیک و هشت ساعت کار در روز بود .

شورا سه اعتصاب را رهبری کرد : اعتصابهای عمومی اکثر توابع
و اعتصاب پستخانه ؛ حدود نیم میلیون اعلامیه صادر کرد ؛ هشت
ساعت کار در روز را به شیوه انقلابی در کارخانه ها به اجرا
گذاشت ؛ آزادی مطبوعات و مجامع را اعلام داشت و با در دست
گرفتن چاپخانه ها و اماکن عمومی آنها را مملوس ساخت ؛ کمک به

بیکاران را سازمان داد؛ رهبری جنبشی را که بیانیه ۱۷ اکتبر را بر تزاریزم تحمیل کرد (بیانیه ای که فراخواندن دوما و یک سلسله آزادی های سیاسی دیگر را وعده می داد) در دست گرفت، و با اعتصاب عمومی نوامبر تزاریزم را وادار به قطع جنگ در لهستان کرد. در تمام طول برخاست انقلاب شورا واقعاً بمثابة یک قدرت عمل کرد و از یک پیروزی به پیروزی دیگر پیش رفت. شورا شعار "خود را مسلح کنید!" را صادر کرد، شعاری که انعکاسی آتشین در میان پرولتاریا یافت. در کارخانه ها گروه های مسلح سازمان داده شد. شوراها به حساب خود اسلحه خریداری کردند و میلیس های کارگری سازمان دادند. این میلیس ها در اطراف چاپخانه ای که ایزوستیا در آن بچاپ میرسید کشیک میدادند، بر علیه گروه های ارتجاعی مبارزه میکردند، از مجامع حفاظت میکردند، و غیره.

اعتبار و نفوذ شورا عظیم بود. همه مردم، همه توده های تحت استثمار، تمام قربانیان دستگاه سرکوب دولتی با اشتیاق به خواست کمک به شورا جواب مثبت میدادند. در آخرین دوران فعالیت شورا رفت و آمد نمایندگان دهقانان افزایش یافته بود و روابط با سربازان هم روبه تحکیم می رفت. دادگاه ها به شاهد هائی که نمایندگانی شورا بودند اجازه خروج می دادند تا بتوانند وظایف خود را انجام دهند. اگر پلیسی یکی از آنها را به بهانه نوعی اخلاکداری دستگیر می کرد، بمحض نشان دادن کار نشان آنها را آزاد می کردند. مقامات نظامی که از مرکز برق حفاظت می کردند بنا به دستور شورا برق را برای چاپ ایزوستیا بجزبان می انداختند. و رسماً به شورا گزارش می دادند که دستور انجام شده است. کارگران راه آهن و پست و تلگراف تمام و کمال در اختیار شورا بودند، در صورتیکه نخست وزیر نمی توانست هر وقت که می خواست از آنها استفاده کند. از جمله مشترکین ارگان شورا ویت Witte نخست وزیر و بی ریلیف Birilov وزیر نیروی دریائی بودند. زمانیکه قتل عام های سازمان داده شده توسط گروه های ملقب به "صد سیاه" (گروه های ارتجاعی ضد یهود - مترجم) در سراسر کشور شروع شد، شورا به کلیه کارگران دستور داد تا خود را مسلح کنند. ولی شورا امکانات بدست آوردن اسلحه را نداشت، و خود شروع به ساختن اسلحه های کمری در کارخانه ها و کارگاه ها کرد. شورا واقعاً تهدیل بموزه ای بینهایت متنوع شده بود. ولی بعد ها شورا دست به خرید اسلحه زد. میلیس کارگری مرکب از شش هزار کارگر بود و این نهاد معمولاً بطور علنی فعالیت میکرد، تا جائیکه شماره تلفن قرارگاه های میلیس در روزنامه ها بچاپ رسید، بطوریکه در حالات اضطراری مردم می توانستند با آن تماس بگیرند.

روز ۲۶ نوامبر کروستالوف Krustalev، صدراول شورا دستگیر شد. پاسخ شورا به این عمل اعلامیه زیر بود: "صدر شورای نمایندگان کارگران از طرف حکومت زندانی شده است. شورا رهبر دیگری انتخاب میکند و به تدارک قیام ادامه میدهد." تروتسکی انتخاب شد. ولی زندگانی شورا کوتاه بود.

روز دوم دسامبر شورا بیانیه ای خطاب به مردم صادر کرد. در این بیانیه از مردم دعوت شده بود پول خود را از حسابهای پس اندازبانک دولتی بردارند، و تقاضا کنند پولشان بصورت طلا پرداخت شود. این فراخوان انعکاس زیادی در میان مردم پیدا کرد و بدین ترتیب ضربه مهلکی بحکومت وارد آورد.

شورا تهدیل به نیروی عظیمی شده بود. تحت تاثیر آن نهاد های مشابهی در شهرهای دیگر بوجود آمد. لحظه ای که می باید در اتحاد با دهقانان دست به مبارزه قطعی زد نزدیک میشد. ولی دمکراسی انقلابی که شورا نمایندگانش بود، و گروه همای اپوزیسیون بورژوا - لیبرال به پیروزی اکثر قانع شدند و پشت سر مردم با تزار سازش کردند. این امر در حکومت مطلقه اعتماد بنفس و نیرو دید، تا بجائی که بالاخره شورا را منحل کرد. روز سوم دسامبر نیروهای دولتی محلی را که در آن کمیته اجرائی گرد آمده بود محاصره کردند و شروع به توقیف اعضای آن کردند. اعضای آن

محاکمه و محکوم به تبعید در سیبری شدند. بعد ها تلا شهابی برای ایجاد شورا های مخفی انجام گرفت ولی این تلاشها موفقیت آمیز نبود درست است که کمیته اجرائی دیگری پس از این - فعالیت ادامه داد ولی آن دیگر یک مرجع کاملاً اسمی بود که تمام قدرت و اعتبار خود را از دست داده بود. این کمیته اجرائی هم بنوبه خود در بهار سال ۱۹۰۶ دستگیر شد.

شورای پترزبورگ برعکس شورای مسکو، ابزار قیام مسلحانه نبود. دلیل آنهم، تا حد زیادی، نفوذ غالب منشویکها در آن بود.

۳- شورای مسکو

شورای مسکو، مانند برخی از شورا های ایالات دیگر دیرتر ایجاد شد. وجود آن بطور رسمی از ۲۲ نوامبر آغاز شد و در سپتامبر زمانیکه اعتصاب کارگران چاپخانه پشتیبانی جنبش نیرومندی در میان کارگران مسکو را برانگیخت، و تظاهرات، میتینگ ها و حتی برخورد با ارتش و باریکاد ها در پشتیبانی از آن سازمان داده شد، فکر ایجاد آن بنقد تبلور یافته بود. کارگران چاپخانه کمیته ای ایجاد کردند که در واقع نطفه شورای آتی بود. در واقع این کمیته اعتصاب تبدیل به نهادی انقلابی شد که آزادی مجامع و صحبت را جامعه عمل پوشاند، گرد هم آئی هائی در اماکن عمومی ترتیب داد، سپس خود را قانونی کرد و یک سلسله خواست هائی ماهیتاً سیاسی نیز مطرح ساخت. ابتدا هر کارگاه یک نماینده بازاء هر بیست نفر کارگر انتخاب میکرد. کمیته کارگران چاپخانه در جریان وقایع، تبدیل به شورای مسکو شد. در آخرین روز های وجودش شورا بالغ بر ۲۰۰ نفر بود که صد هزار کارگر را نمایندگی میکرد، یعنی اکثریت عظیم کارگران مسکو را.

لزوم ایجاد شورا در احتیاجات یک کمیته اعتصاب نهفته بود که جنبش سیاسی بر علیه حکومت مطلقه را رهبری می کرد و از عناصر بورژوائی با درصد محدودی از نمایندگان کارگران مرکب بود. در مناطق دیگری مانند سمارا Samara و کیف Kiev نیز قضیه به همین منوال بود. چندین پیشنهاد وحدت به پیش کشیده شد و حتی بخشی از کارگران که همکاری تمام نیروها را برای مبارزه بر علیه دشمن مشترک اجتناب ناپذیری می دانستند در مطرح کردن این پیشنهاد ها سهیم بودند. ولیکن شورا، بدون اینکه از همکاری بر سر مسائل مشخص مبارزه بر علیه حکومت مطلقه امتناع کند، قاطعانه بر علیه هر نوع اغتشاش و مخدوش کردن مواضع سیاستها اعلام موضع کرد. شورای نمایندگان کارگران قدم بزرگی بجلو در انکشاف جنبش بود و تبدیل به ابزار قیام گردید. شورای مسکو در مورد تسلیح کارگران و تبلیغ و سازماندهی در میان سربازان خیلی قاطعانه تراز شورای پترزبورگ عمل کرد. حتی یک شورای سربازان نیز تشکیل شد؛ اگر چه عمر آن خیلی کوتاه بود و بیش از یک جلسه نداشت.

در داخل شورا سوسیال رولوسپیونرها و منشویکها نقشی فرعی داشتند. نقش اصلی را بلشویکها ایفا کردند و با وجود اینکه تعداد نمایندگان هر سه حزب در کمیته اجرائی رسماً مساوی بود (هر کدام دو نماینده)، نفوذ و تأثیر بلشویکها در همه جا غالب بود. افزون بر شورای مرکزی چندین شورای محلی هم وجود داشت که در تمام جنبش فعالانه شرکت کردند.

شورا در رأس قیام دسامبر قرار گرفت. تصمیم سازمان دادن - اعتصاب عمومی، که از طرف حزب سوسیال دمکرات پیشنهاد شد، توسط شورا و مجامع عمومی که در هر کارخانه تشکیل میشد، تصویب گردید.

مانند پترزبورگ شورا از اعتبار زیادی در میان توده زحمتکش برخوردار بود. تمام طبقه زحمتکش مسکو در انتخاب نمایندگان شرکت میکردند؛ سپس نمایندگان را، در میان شور و هلهله و صفناپذیر به اولین جلسه مشایعت میکردند. برای درک میزان شور و شوق کارگران و شرکت آنها در انتخابات کافیهست سخنان یکی از ربخته گران پییر

لوفورتوا (Lefortova) را که از طرف رفقایش انتخاب شده بود ، بخاطر بیاوریم : " من هم اکنون ، برای اولین بار ، قدرتی را که وحدت طبقه کارگر میتواند بنمایش بگذارد ، درک میکنم . من با چشمان خود دیدم که با عمل مشترک بر علیه دشمنان ، بورژوازی ، ما میتوانیم تمام حقوق و آزادیها را بدست آوریم . من دیگر پیوسته شده ام و حتی خواب این را هم نمی دیدم که برای دفاع از حقوق کارگرمندان انتخاب شوم و نشان شکوهمند نماینده شورای نمایندگان کارگران را با خود حمل کنم ؛ ولی من فکر میکنم که ما نمیتوانیم از یک مبارزه خونین بر علیه ستمگرانمان پرهیز کنیم ، و باین دلیل است که ما منتخبین شما از شما تقاضا میکنیم اسلحه بدست از شورای نمایندگان کارگری دفاع کنید . "

بدون شوراها سازمان حزب نه میتواندست مبارزه مسلحانه تو- ده ها را رهبری کند و نه میتواندست آن اتسفر مبارزه ، یکپارچگی و همبستگی را که توده عظیم کارگران را به جوش و خروش آورد ، ایجاد کند .

0 - ساختار شوراها

کارخانه دژ عمومی شوراها بود . معیارهای انتخابات ، بنا به شهر و ناحیه تنوع قابل ملاحظه ای داشت ولی در همه جا مطلقاً تمام

کارگرانی که در کارخانه کار میکردند ، بدون محدودیت رتبه و سلسله مراتب در انتخاب نمایندگان شرکت میکردند . در پترزبورگ و مسکو برای هر ۵۰۰ نفر یک نماینده انتخاب میشد ؛ در ادسایر برای هر ۱۰۰ نفر ، در کستروما Kostroma ، برای هر ۲۰ نفر ، بعلاوه هیچ معیار مشخص و انعطاف ناپذیری هم وجود نداشت . بهرحال شوراها در همه جا اکثریت عظیم طبقه کارگر ، و در پترزبورگ ، مسکو ، و اکاترینبورگ تقریباً تمام طبقه کارگر را نمایندگی میکردند . اعتبار آنها در برخی نقاط بحدی بود که حتی برخی از خرده کاسب کاران نیز تظاهربه انتخاب شورا میکردند .

سازماندهی شوراها چگونه بود ؟ در پترزبورگ ، رستوف Rostov ، نورسیسک Novorosisk ، و سایر نقاط کارگران مستقیماً دست به انتخاب شوراها می زدند . در مسکو ، ادسا ، و برخی دیگر نقاط ، همراه با شوراها می نمودند . در مسکو شوراها محلی هم انتخاب شدند . در مسکو شوراها محلی مستقیماً به شورای عمومی ، یا مرکزی ، نماینده میفرستادند . در برخی نقاط دیگر اول انتخاب شوراها محلی شروع میشد ، و مجموعه اینها شورای ناحیه را بوجود می آورد .

بطور کلی هر شورا برای خود یک کمیته یا کمیسیون اجرائی ، یا یک هیأت رهبری انتخاب میکرد . رئیس ، دبیر و دیگر مسئولین مهم شورا را مجمع عمومی انتخاب میکرد . هر شورائی دست به ایجاد مراجع وابسته مختلفی از قبیل کمیسیون کمک به بیکاران ، سازماندهی میتینگ ها ، بخش انتشارات و تبلیغات ، مسکن و غیره میزد . و هر



جوانان کارگر در تالار دانشگاه جدید روسیه

جا که شورا رهبری قیام را در دست میگرفت ، یا تبدیل به ابزار قدرت میشد ، گروههای مسلح و میلیس نیز تشکیل میشدند . بعلاوه شورا خود مسئولین موسساتی را که تحت کنترل شورا در می آمدند (پست و تلگراف ، راه آهن) انتخاب میکرد . در بعضی نقاط که سربازانی که از جبهه بر میگشتند نقش مهمی ایفا می کردند ، مثلاً کراسنویارسک و ریگا ، شوراها از نیروی نظامی قابل ملاحظه ای برخوردار بودند .

همه شوراها چاپخانه و مطبوعات خود را نداشتند . بعضی از آنها از مطبوعات قانونی یا مطبوعات حزبی استفاده میکردند . چاپ ایزوستیا از طریق در اختیار گرفتن چاپخانه ها صورت میگرفت . همه شوراها دست به انتشار اعلامیه هائی میزدند که نفوذ خیلی زیادی در امر آغالشگری داشت . بطور کلی هیچ قاعده خشک و انعطاف ناپذیر سازمانی وجود نداشت . این اشکال بنا بر ماهیت و وظایف شورا و شرایط ، بیکر مرسوم بخود میگرفتند .

۶ - شوراها و احزاب

در اولین شورائی که در روسیه بوجود آمد ، یعنی شورائی ایوانوو سنسنسک (Ivanovo-Vosnesensk) ، از آنجا که رهبری شورا در واقع در دست سازمان سوسیال دمکرات محلی بود ، مسأله رابطه بین حزب و شورا بصورت چگونگی این رهبری مطرح بود .

فقط در پترزبورگ بود که این مسأله بصورتی بسیار حاد مطرح شد . همانطور که میدانیم شورائی پایتخت در ابتدا کمیته کارگری بود که وظیفه اش هدایت اعتصاب بود . ولی رفته رفته ، همراه با انکشاف وقایع انقلابی ، شورا تبدیل به مرکز تمام مبارزات پرولتاریا گردید ؛ بطوریکه هم رهنمودهای سیاسی صادر میکرد ، هم خواست های اقتصادی را مطرح میکرد و هم نقش سندیکاها را ، که در آن موقع وجود نداشتند ، انجام میداد . به یک کلام شورا نیروی انقلابی جدیدی بود که مبارزه سیاسی فعالی را بر علیه حکومت - مطلقه هدایت میکرد . در چنین شرایطی شورا بالاخره کم و بیش جای احزاب کارگری را بخانه پیشگامان مبارزه طبقاتی میگرفت و بهمین دلیل مسأله نقش شورا و روابطش با احزاب کارگری بناچار مطرح میشد .

حتی در روز ۱۹ اکتبر این سؤال بنقد بطور ملموس مطرح شده بود و در مورد پیشنهاد پایان دادن به اعتصاب نمایندگان بلشویک لزوم هماهنگ ساختن عملیات شورا با حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه را مطرح کردند . روز بیست و هفتم بخش ویبورگ Viborg ، شورا مسأله را بررسی کرد و تصمیم گرفت پیشنهاد برگزیدن برنامه سوسیال دمکرات را مطرح کند ، و نمایندگان بلشویک حتی این مسأله را مطرح کردند که اگر شورا برنامه مربوطه را قبول نکند از آن بیرون خواهند رفت .

این مسأله بکرات در محلات و کارخانه های مختلف مورد بحث قرار گرفت و مباحثات پرشور و حرارتی را برانگیخت . کمیته متحدانه حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه ، که بر مبنای حق رای مساوی از بلشویکها و منشویکها تشکیل شده بود ، تصمیم گرفت پیشنهاد کند که شورا مشخصاً در مورد این پلا تفرم سیاسی اعلام موضع کند . شورا در یک موقعیت بسیار بحرانی قرار گرفته بود . هیچ اشکالی برای اتخاذ قطعنامه ای در جهت همبستگی با برنامه سوسیال دمکرات وجود نداشت ، زیرا اکثریت عظیم نمایندگان یا اعضاء حزب بودند یا طرفدار برنامه آن . ولی در شورا نمایندگان احزاب دیگر - مثلاً حزب سوسیال رولوسیونر - یا کارگرانی که بهیچ حزبی وابسته نبودند هم وجود داشت . ولی بالاتر از همه همبستگی با برنامه سوسیال دمکرات با اصلی که بر مبنای آن شورا بوجود آمده بود در تضاد بود : شورا مظهر تمام توده کارگران در یک سازمان پیکار بود .

با در نظر گرفتن این ملاحظات ، شورا پس از بحث کوتاهی تصمیم گرفت مسأله را از دستور جلسه خارج کند . نمایندگان بلشویک علیرغم این تصمیم و علیرغم آنچه قبلاً تصمیم گرفته بودند ، از شورا خارج نشدند .

در حقیقت آنچه انجام شد سرپوش گذاشتن بر روی مسأله ای بود که دائماً در جلسات عمومی و مطبوعات کارگری مورد مباحثات پر حرارتی قرار میگرفت . ولی مطرح کردن مسأله بطور قاطع در شورای نمایندگان کارگری در پترزبورگ مینوانست در آن حساس ترین لحظات ، انشعاباتی بوجود آورد ، یا در میان پرولتاریای پترزبورگ بی نظمی برانگیزد .

طرز برخورد کلی بلشویکها را در بالا ملاحظه کردیم . ولی با در نظر گرفتن اهمیت مسأله جا دارد قدری بیشتر روی آن تأمل کنیم . در این مورد یار دیگر نشان داده شد که در غیبت لنین رهبران بلشویک مرتکب اشتباهات بزرگی شدند . در آغاز کار این رهبران برخوردی کاملاً منفی با شوراها داشتند . آنها میگفتند برای اعمال رهبری سیاسی می باید برنامه سیاسی کاملاً مشخص با اهداف سیاسی کاملاً ملموس داشت . بدین دلیل شوراها ، بعلمت ساختار سیاسی - شان نمی توانست نقش رهبری را ایفا کنند ، و در هر صورت جای حزب را نمی توانست بگیرند . آنها افزون بر این به این مسأله اشاره می کردند که وابسته نبودن شورا به هیچ یک از احزاب می تواند آن را به راه فرصت طلبی بکشاند و تبدیل به ابزاری سازد که بورژوازی از آن برای به مجرای محدود انداختن مبارزات کارگران استفاده کند . استنتاج نتایج این استدلال ساده است : شوراها نه فقط برای پرولتاریا لازم نیستند بلکه خطرناک هم میباشند . رسیدن لنین به پترزبورگ به این برخورد بی معنی پایان داد . لنین فوراً اهمیت عظیم شوراها را فهمید و در مقاله ای که در نوایاژین بچاپ رساند پیشنهاد کرد که باید برای افزایش نفوذ حزب در شوراها مبارزه شود . بدین ترتیب شکل رابطه ما بین حزب و شورا تنظیم شد . و این شکل بعد از انقلاب اکتبر مبنای قطعنامه های کنگره های هفتم و هشتم حزب قرار گرفت . در این قطعنامه ها آمده است که شوراها سازمانهای مطلقاً لازمی هستند .

با آنکه بی شک اقدام ارزنده مطرح کردن رهنمود ایجاد کمیته کارگران متعلق به منشویکهاست ، آنها خود پنداشت های بسیار بهمی از اهداف این کمیته ها داشتند . بمحض آنکه شورا تأسیس شد و شروع به مداخله در زندگانی سیاسی کرد ، منشویکها خود از نتایج غیر مترقبه ای که تبلیغاتشان ایجاد کرده بود جا خوردند ، و مانند بلشویکها مصرا نه خواستار این بودند که این نهاد جدید برنامه سوسیال دمکرات را برگزینند . مارتینف ، یکی از رهبران منشویک ، در مقاله ای که در ناشالو (Nachalo) بچاپ رسید ، بعد از اذعان اینکه شورائی نمایندگان کارگران اولین تجربه درخشان نمایندگی مستقل پرولتاریاست ، چنین ادامه می دهد : " شورا و حزب دو سازمان پرولتری مستقل هستند که همزیستی شان نمیتواند زیاد بطول انجامد " منشویک ها رسالت شوراها را نمی فهمیدند . شوراها برای قدرت مبارزه میکردند ، زیرا که این مسأله ای بود که تاریخ در دستور روز قرار داده بود . بطور کلی آنها شوراها را همچون نوعی پارلمان کارگری ، که نقش مشخص و ویژه ای در نبرد طبقات و پیکار توده ها ندارد ، بحساب میاوردند .

و اما در باره سوسیالیست - رولوسیونرها باید گفت که این حزب خرده بورژوا در این مورد هم ، مانند تمام موارد مهم دیگر ، نظر مشخصی نداشت . از طرف دیگر نفوذ این حزب در شوراها خیلی کم بود . یکسال بعد ، در پافیز ۱۹۰۶ ، سوسیالیست - رولوسیونرها تازه با نقطه نظر منشویکها اعلام همبستگی کردند . به آثار شیشست ها علیرغم تقاضایشان ، اجازه ورود به شوراداده نشد . لنین ، در مقاله ای در مورد این مسأله ، این قطعنامه را مورد



تأیید قرار داد • زیرا بنظر او شورا يك پارلمان کارگری نبود بلکه سازمانی بود برای پیکار جهت رسیدن به اهداف مشخصی و در این سازمان نمی شد نمایندگان گرایشی را پذیرفت که با اهداف اساسی انقلاب در تضادند • این نظر را ، که بنظر ما عمیقاً نادرست است ، خود بلشویکها بعد ها اصلاح کردند • در شورا های ۱۹۱۷ آنارشیستها با همان حقوق گرایشهای دیگر جنبش انقلابی کارگری نماینده داشتند • تازه بهنگام کنگره هلسینگفورس Helsingfors ، یعنی وقتی که دیگر شرایط زمانی اجازه قضاوت وقایع را مبداد ، بود که سوسیال دمکراتها ، چه بلشویکها و چه منشویکها ، نظرات خود را در باره شوراها بطور ملموس و قطعی بیان کردند •

در طرح های اولیه قطعنامه ایکه به کنگره وحدت حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه ارائه شد (این طرح های اولیه بهر حال مورد بحث کنفرانس قرار نگرفت •) منشویکها شوراها را چنین تعریف کردند : ارگانهایی که رسالتشان متحد کردن توده کارگران در مبارزات و فعالیتهای آنان ، و نمایندگی منافع این توده در پیش مابقی جمعیت میباشد •

بلشویکها ، بدون اینکه اهمیت شوراها را همچون سازمانهای توده ای انکار کنند ، نشان دادند که کمیته های اعتصاب ساده ، در طی مبارزه به " نهاد های همگانی مبارزه انقلابی " تبدیل شدند ، و این نهاد ها " نطفه های قدرت انقلابی " بودند •

۱۹۱۷ : ساختار جمهوری شوروی

پایه های رژیم جدید که زائیده انقلاب اکتبر است ، شوراهای شهری و روستائیند •

شوراهای روستائی بر اساس يك نماینده برای هر صد نفر از ساکنین و يك نماینده برای هر بیست نفر کارگر کارخانه ، یا معدن یا مزارع دولتی ، یا واحد های نظامی مستقر در محل انتخاب میشوند • نمایندگان در مجامع عمومی تمام ساکنین منطقه ، که دارای حق رأی هستند ، انتخاب میشوند • محلات مهم روستا میتوانند در مجامع جداگانه انتخابات خود را برگزار کنند • کارگران کارخانه ، مستخدمین مؤسسات و واحد های نظامی مختلف انتخابات خود را در محل کارخانه ، موسسه یا قرارگاه خود برگزار میکنند • قوانین جمهوری شوروی اوکراین و جمهوری شوروی روسیه ، لزوم سازمان دادن شوراهای ملی را در تمام مناطقی که اقلیت های ملی حائز اهمیتند در نظر میگیرد • وظایف اصلی شوراهای روستائی از این قرارند :

الف) اجراء کنترل اجرای تمام قطعنامه های مراجع قدرت مافوق خود •

ب) کمک به نمایندگان این مراجع در انجام وظایفشان در بخش •

ج) اقدام در جهت بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی مردم •

د) تضمین و حفظ نظام انقلابی و مبارزه بر علیه ضد انقلاب و دزدی و راهزنی •

ه) استفاده از توده زحمتکش برای حفظ چاه ها ، پلها و غیره و برای مبارزه بر علیه فاجعه های طبیعی •

و) کمک به حفظ جنگلها ، خطوط راه آهن ، تلفن و تلگراف در منطقه شورا •

ز) تضمین بهره برداری کامل و صحیح از زمین ها •

ح) به انجام رساندن تقسیم اراضی و سازمان دادن ذخیره غلات •

ط) پشتیبانی از همکاری کشاورزان مزارع دولتی ، تشکیل کتابخانه و غیره •

ی) کمک به ریشه کن شدن بیسوادی و کار فرهنگی در میان اقلیت های ملی •

همه شوراهای محلی بودجه مستقل برای خود ندارند ؛ ولی با وجود این همه از حقوق قضائی برخوردار هستند ، و حق امضای

قرار داد دارند •

شوراها عموماً بمنظور درگیری تمام اعضای خود در فعالیت های مداوم اقدام به تشکیل کمیسیونهای مخصوصی در اطراف خود میکنند • این کمیسیونها ، با اجازه شوراها حق دارند همکاری ساکنینی را که عضو شورا نیستند ولی از حق رای برخوردارند جلب کنند • هر شورا يك کمیسیون کنترل دارد ، که بهمان طریق خود شورا انتخاب میشود • و فعالیتهای مالی آنرا کنترل میکند و حساب آنرا در مقابل مجامع عمومی ساکنین پس میدهد •

شوراهای شهری توسط تمام ساکنین حاضر در محل و دارای حق رای ، بر اساس يك نماینده برای هر صد نفر کارگر ، سر بازار ارتش سرخ یا عضو میلیس ، و يك نماینده برای هر سیصد نفر کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی ، یا سایر رده های انتخاباتی ، انتخاب میشوند • وظیفه شوراهای شهر حل تمام مسائل محلی و بحث در باره تمام مسائل مورد علاقه عموم است •

این مراجع بودجه مستقل خود را دارند و یکم آن نقش فعالی در نوسازی و تحول اقتصاد توده ها و زندگی اجتماعی و فرهنگی ایفا میکنند • این بودجه بمصرف تمام امور محلی میرسد (.....)

ارگان رهبری شورا و پلنوم های آن اقلماً ماهی یکبار فراخوانده میشود • وظیفه پلنوم بررسی و حل تمام مسائل اساسی مربوط بشورا و تصویب بودجه است •

جلسات شورا علنی هستند • در تمام جلسات ، بجز آنها که بطور مخفی فراخوانده میشوند ، نمایندگان کمیته کارخانه ها ، سندیکاها ، و واحد های ارتش و سایر سازمانها با حق صحبت ولی بدون حق رای حق شرکت دارند • بمنظور برقرار کردن پیوند نزدیکتر با کارگران ، شورا تا سرحد امکان جلسات خود را در محل کارخانه ها ، انجمن ها و غیره برگزار میکند • شرط تشکیل پلنومها حضور حداقل نیمی از اعضا است •

نمایندگان شوراهای شهری بمدت یکسال انتخاب میشوند ؛ یعنی تا انتخابات بعدی • اعضای شورا را ، بدون اطلاع قبلی به رهبری شورا ، نمیشود دستگیر کرد • در شرایط استثنائی میتوان اقدام به دستگیری کرد ، در صورتیکه رهبری در عرض ۲۴ ساعت از آن مطلع گردد •

بخش هایی که وظیفه بهم پیوند دادن توده های زحمتکش را بر عهده دارند در فعالیتهای شورا از اهمیت عظیمی برخوردارند • این بخش ها عبارتند از :

- الف) بخش اداری ؛
- ب) بخش مالی ؛
- ج) بخش آموزش همگانی ؛
- د) بخش بهداشت ؛
- ه) بخش تجارت و شرکتهای تعاونی ؛
- و) بخش بازرسی کارگری و دهقانی •

با موافقت شورا بخش های بالایی توانند فعالیتهای خود را بچند شعبه مستقل تقسیم کنند و یا بخش های جدیدی بوجود آورند (بخش اداری ، قضائی ، مسکن ، بیمه های اجتماعی ، کشاورزی) • این بخش ها مسائل اساسی را که مراجع اجرائی به آنها محول کرده اند بررسی میکنند و در صورت لزوم بمنظور برقرار کردن نزدیکترین پیوند با مراجع مختلف دستگاه اجرائی و شرکت در جلسات و کمیسیونها و کنفرانسهای شورا و مطالعه مؤسسات مختلف و نظردهی در مورد مسائلی که پلنوم های شورا یا رهبری شورا به بخش محول کرده کمیسیونهای دائمی از میان خود برمیگزینند •

برای کارآتر کردن فعالیت هائی که در زمینه فرهنگی و اداری ، در خدمت توده های زحمتکش انجام میگیرد ، و برای کمک به شوراهای شهری در حل مسائل اساسی تحول سوسیالیستی کشور ، شوراهای محلی ، بموازات شورای مرکزی ، انتخاب میشوند ، تحت رهبری

آن عمل میکنند و در مقابل آن مسئولند *

مراجع عالی رژیم شوروی کنگره ها و کمیته های اجرائی هستند *
شوراهای روستائی هر محل ؛ کنگره محل را به نسبت یک
نماینده برای هر ده عضو شورا انتخاب میکنند * برای کنگره بخش تمام
شوراهای روستائی ؛ به نسبت یک نماینده برای هر هزار ساکن و
شوراهای شهری ؛ به نسبت یک نماینده برای هر دویست ساکن و
نماینده انتخاب میکنند کنگره های ایالتی بر اساس قواعد نمایندگی
زیر انتخاب میشوند ؛ یک نماینده برای هر ده هزار نفر از ساکنین
(این نمایندگان در کنگره های محلی و استانها انتخاب میشوند) ؛
یک نماینده برای هر ۲۰۰۰ نفر از شوراهای شهری و کارخانه ها *
شوراهای ناحیه ای ؛ هر جا که وجود داشته باشند ؛ توسط نمایندگان
شوراهای شهری و کنگره بخش ؛ به نسبت یک نماینده برای هر
۲۵ هزار نفر و یک نماینده برای هر ۵ هزار نفر از انتخاب کنندگان
شهرنشین انتخاب میشوند * کنگره های شوراهای جمهوری فدرال بر
اساس قواعد کنگره های ناحیه ای و یا ایالتی انتخاب میشوند *
کنگره سرتاسری روسیه کارگران ؛ دهقانان ؛ سربازان سرخ و قزاقها
بر اساس زیرین انتخاب میشوند ؛
الف) از شوراهای شهری بر اساس یک نماینده از هر ۲۵ هزار نفر
انتخاب کننده *
ب) از کنگره های ایالتی به نسبت یک نماینده برای ۱۲۵ هزار
نفر از ساکنین *



اختلاف مابین شوراهای و کنگره در اینست که نمایندگان شوراهای
برای مدت معینی (مثلاً برای یکسال) انتخاب میشوند ؛ در صورتیکه
نمایندگان کنگره ها برای هر کنگره انتخاب میشوند و در پایان کنگره مقام
خود را از دست میدهند و از آنها صرفاً کمیته اجرائی منتخب کنگره
بجا میماند *

(. . .) و بالاخره مرجع عالی رژیم شوروی کنگره شوراهای اتحاد
جماهیر شوروی سوسیالیستی است که در روز ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲
تاسیس شد * وظایف اصلی آن بقرار زیرین است :
الف) انتخاب کمیته اجرائی مرکزی و تصویب اعضای شورای ملیت-
ها ؛ منتخب جمهوریهها و نواحی خود مختار شوروی *
ب) تأیید و تعدیل بنای اصلی قانون اساسی اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی *

ج) حل اختلافاتی که توسط مراجع رهبری و کمیسیونهای رسیدگی
به اختلافات حل نشده اند *

د) تعدیل مصوبات کمیته اجرائی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی بر اساس پیشنهادات نمایندگان شوراهای یا کمیته های
اجرائی جمهوری های فدراتیف *

کمیته اجرائی مرکزی تشکیل شده است از شورای اتحاد شوروی
و شورای ملیت ها * این مراجع از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند *
شورای کمیسارهای خلق مرجع اجرائی کمیته مرکزی است * مصوبات
و قطعنامه های این شورا در سراسر اتحاد شوروی لازم الاجرا
هستند *

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حق رای همگانی وجود
ندارد * پرولتاریا بهنگام در دست گرفتن قدرت ؛ در اکتبر ۱۹۱۷ ؛
فریب احترام به دمکراسی صوری را نخورد و دیکتاتوری خود را برنشاند *
در نتیجه پیدا شدن محدودیت های چندی در حقوق انتخاباتی
امری منطقی است * بنا بر قانون اساسی شوروی تمام افراد بالغ بیشتر
از هیجده سال ؛ چه مذکر چه مؤنث ؛ که شرایط زیر را دارا باشند
می توانند در انتخابات شرکت کنند یا انتخاب شوند :

الف) کلیه کسانی که معاش خود را از طریق کار مفید ؛ یا انجام
کار خانگی و فراهم آوردن امکان کار دیگران در خارج از خانه (مثلاً
زنان خانه دار و یا تمام افرادی که به نگهداری اطفال کارگران
اشتغال دارند و غیره) بدست می آورند *
ب) سربازان ارتش سرخ *

ج) کلیه افرادی که شرایط الف و ب را دارا بوده اند و لسی
قدرت کارشان را از دست داده اند *

د) خارجی هایی که در سرزمین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
زندگی و کار می کنند *

کسانی که حق انتخاب کردن دارند و نه حق انتخاب شدن ؛
حتی اگر در شمارده بندی های بالا هم باشند ؛ عبارتند از :

الف) کسانی که در پی سود از کار مزدوری استفاده می کنند *
ب) کسانی که منبع زندگانی شان درآمدی است که از کارشان
سرچشمه نمی گیرد *

ج) تجار و واسطه های تجاری *

د) راهبین و عمال مسالک و مذاهب *

ه) کارکنان و مامورین پلیس سابق ؛ و همچنین اعضای خاندان
سلطنتی *

و) افرادی که به اختلال حواس دچارند یا تحت قیمومت
هستند *

ز) کسانی که توسط دادگاهها محکوم شده اند *